

مقاله مروری

فقر و توسعه پایدار محیط زیست (با تأکید بر نقش جنسیت).

مرضیه کریمی^a، سیمین درویش نوری^b

a کارشناسی ارشد توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه مطالعات توسعه اجتماعی، تهران، کدپستی ۱۴۱۷۶۱۴۴۱۸، ایران
b دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، تهران، کدپستی ۱۴۱۷۶۱۴۴۱۸، ایران

چکیده مطلب

توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین مینماید. باید توجه نمود که برای رسیدن به پایداری نیازمند شرایط مطلوب اقتصادی-اجتماعی هستیم. تا زمانی که مسئله فقر نادیده انگاشته شود نمی‌توان بر یک پایداری طولانی مدت در تمامی زمینه‌ها به ویژه زیست محیطی امیدوار بود. وجود تفاوت‌های جنسیتی در جوامع بشری پدیده طبیعی نیست، بلکه این امر محصول روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر آن است که بر این امر منجر به دسترسی متفاوت افراد بر منابع و امکانات می‌گردد. زنان به عنوان یکی از گروه‌های اصلی در حفظ محیط زیست و دستیابی به توسعه پایدار، باید نقش و نیازهای متمایز آنها مورد توجه قرار گیرد. از این رو تمرکز بر ریشه‌کنی فقر، برابری جنسیتی و توانمندسازی آنان در حفظ منابع طبیعی از اهمیت زیادی برخوردار است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده است. هدف تحقیق بررسی دقیق ارتباط بین جنسیت و مدیریت محیط زیست بوده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ مقاله:

دریافت فایل در ۲۳ اسفند ۱۳۹۷
دریافت فایل اصلاح شده در ۲۶ اسفند ۱۳۹۷
قبول شده برای چاپ در ۲۷ اسفند ۱۳۹۷

لغات کلیدی:

توسعه پایدار؛
ممیٹا زیست؛
فقر؛
زنان؛

* Corresponding author. Tel.: +989104976549; +989121904102

E-mail address: marzy.karimi@yahoo.com / Simin.darvish.ut@gmail.com

Peer review journal

محیطی صورت گیرد. هاردی و همکاران (۱۹۹۲) اشاره می کنند که سرمایه های زیست محیطی را می توان به سه نوع مختلف تقسیم کرد [۱۹]

- ظرفیت طبیعی سیستم های محلی و جهانی برای جذب و یا شکستن زباله های آلی و جذب گاز بدون اثرات نامطلوب بر آب و هوا و یا لایه ازن استراتوسفر.
- سهم محدود منابع غیر قابل تجدید، به عنوان مثال سوخت های فسیلی و سایر مواد معدنی. تنوع زیستی، یکی از بخش های کلیدی سرمایه های زیست محیطی، همچنین می تواند منبع غیر قابل تجدید باشد؛
- منابع تجدیدپذیر مانند محصولات زراعی و درختانی که تنها در حد محدودی تعیین شده اکوسیستمی که هستند در آن رشد می کنند و منابع آب تازه

۱.۱.۲. ارتباط فقر و محیط زیست

ارتباط بین فقر و مسائل مربوط به محیط زیست تحت تأثیر چگونگی تعریف فقر، نوع مشکلات زیست محیطی و گروه های فقیر قرار می گیرد. این ارتباط که نخستین بار به عنوان بحثی مناقشه برانگیز در کنفرانس استکهلم سازمان ملل متحد درباره محیط زیست انسانی در سال ۱۹۷۴ مطرح شد، آلودگی و یا به طور کلی تخریب زیست محیط را در وهله اول، به فقر و عدم توسعه نسبت داد [۲۰]. به گونه ای که ریشه های مسائل زیست محیطی و تخریب آن در کشورهای صنعتی و کشورهای جهان سوم باهم تفاوت دارند. گرچه در کشورهای صنعتی این مسائل به طور عمده حاصل پیشرفت های تکنولوژیکی، تراکم سرمایه تولیدی و مدرنیزه شدن کشاورزی است اما در کشورهای جهان سوم این امر را می توان ناشی از ویژگی های توسعه نیافتگی دانست [۲] [۶]. پایین بودن سطح فرهنگی و نداشتن اخلاق زیست محیطی در کنار فقر مادی و تأمین نیاز در این کشورها از علل اصلی مرتبط با فقر و تخریب زیست محیط است. در گزارش مذکور، تصریح شده که رشد جمعیت و فقدان دسترسی به زمین، فشاری بر مردم فقیر وارد می کند که آنها را به بهره برداری فرایند از محیط زیست حاشیه ای روستاها و شهرها، برای بقا در کوتاه مدت مجبور می کند و این روند، موجب تخریب منابع می شود. این امر خود در فرایندی چرخش وار، مجدداً موجب خلق فقر و به خطر افتادن بقاء در بلند مدت خواهد شد [۳۰]. دیوید دراکاکیس اسامیت در بحث هایش در مورد توسعه شهری پایدار این روابط پیچیده را به روشنی مورد تأیید قرار داده است [۱۵] [۱۶]. عمده تحقیقات انجام شده در زمینه فقر و محیط زیست نیز اشاره دارند که فقرها هم قربانی هستند و هم عاملان تخریب محیط زیست هستند. فقر بیشتر احتمال دارد که در مناطق آسیب پذیر زندگی کنند که به دلیل فقدان منابع موجود در این مناطق منجر به این گشته که منابع طبیعی را کاهش داده و به تخریب محیط زیست کمک کنند. با این حال، این نیز تأیید شده که در اغلب اوقات فقر اقداماتای جهت حفظ محیط زیست به کاربرده اند که در این رابطه تغییرات فیزیکی و فضایی در منابع طبیعی این تصور را پیچیده تر ساخته است. به طور کلی، علل اساسی فقر و تخریب محیط زیست درجه توسعه است که از طریق فناوری ها، نهادها و مقرراتی که برخی گروه های اجتماعی و مناطق جغرافیایی می گذارند در این زمینه بسیار مؤثر است. با این وجود مک گرانهان و همکاران (۱۹۹۹) تأکید دارند که هنگام بررسی روابط میان فقر و تخریب محیط زیست در کنار درجه توسعه آگاهی از مقیاس مسئله محیط زیستی نیز اهمیت دارد. گرم شدن جهانی مسئله ای در مقیاس جهانی است اما پیامدهای مستقیم آن بر مکان ها و جمعیت های خاص نسبت به سایرین بیشتر بوده است. در مقیاس کیفیت پایین آب و مسائل بهداشتی در سراسر جهان مسئله هستند اما پیامد آنها به شکل محلی احساس می شود [۲۴]. در نتیجه این امر نیاز به تلاش تمامی کشورها اعم از توسعه یافته و یا توسعه نیافته در کاهش فقر و تخریب محیط زیست است.

۲. بیان مسئله

در رابطه با مفهوم "توسعه پایدار" تعاریف بسیاری وجود دارد که هر یک از تعاریف بر برخی از ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی مرتبط با این اصطلاح اشاره می کنند. هرچند در ابتدای گسترش این مفهوم، تفکر غالب بر "پایداری" و محیط گرایی بود اما از دهه ۱۹۹۰ و با حاکم شدن اندیشه سیستمی، توسعه پایدار در ارتباط با جنبه های توسعه انسانی مرتبط با محیط زیست و نسل های آینده قرار گرفت، که هدف از آن تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دست یابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری، و تنوع فرهنگی بر حفاظت یگانگی اکولوژیک بود [۱۰]. پیوند میان فقر و توسعه پایدار اغلب به چگونگی تعریف فقر، مسئله زیست محیطی و گروه های فقیر که با تخریب محیط زیست در اثر توسعه نابرابر

۱. توسعه پایدار زیست محیطی و فقر

تعاریف متعددی از توسعه پایدار و بحث های بسیاری در مورد آنچه که توسعه پایدار محیط زیست را شکل می دهد وجود دارد. به طور کلی، "توسعه پایدار" به ظرفیت سیستم های اجتماعی-زیست محیطی با توجه به آینده و "پایداری محیطی" به حفظ اکوسیستم و پایگاه منابع طبیعی اشاره دارد. تخریب محیط زیست در این زمینه نشان دهنده یک شکست است که این تخریب خود شامل سه نوع: تخریب منابع، آلودگی و تولید زباله بیش از توان محیط زیست و کاهش تنوع های زیستی است [۱۹]. پایداری اجتماعی به عنوان یک نظام اجتماعی مبتنی بر توسعه پایدار در کنار سایر ابعاد، شامل برابری فضایی، تأمین خدمات و امکانات اجتماعی، برابری جنسیتی و مشارکت و مسئولیت پذیری سیاسی است [۴]. این اصطلاح برای ارجاع به شرایط اجتماعی لازم برای حمایت از پایداری محیطی است [۱۹]. در واقع بر این واقعیت استوار است که منابع طبیعی در یک زمینه اجتماعی استفاده می شود و این قوانین و ارزش های مرتبط با این زمینه است که توزیع منابع در نسل فعلی و آینده را تعیین می کند.

فقر به عنوان پدیده های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از فقدان تأمین حداقل نیازهای اساسی جهت زیستن و سیر به سوی سعادت ناشی می شود [۵]. فقر پدیده ای چند بعدی است که نه تنها شامل بعد اقتصادی برای ارضای نیازهای اساسی بلکه شامل بعد انسانی، فیزیکی، زیست محیطی و سیاسی نیز هست [۳۴]. یکی از رویکردهای رایج درباره فقر و توسعه پایدار محیط زیست، رویکرد چمبرز در نقد رویکرد مارپیچی نزولی است. که معتقد است این نظریه ها و راهبردها در تداوم رویکردهای بالا به پایین و مرکز پیرامون مؤثر بوده است. در حالی که به اعتقاد وی پایداری مبتنی بر آغاز از فقیرترین ها و قراردادن نیازهای آنان در اولویت است. چمبرز چهار شیوه تفکر را در گفتمان غالب محیط زیست، در رابطه با ارتباط فقر و توسعه پایدار زیست محیطی از یکدیگر متمایز می کند و در نوع چهارم به تشریح نظریه خود می پردازد. چهار شیوه مذکور عبارتند از: تفکر محیط زیستی، تفکر توسعه ای، تفکر معیشتی و تفکر معیشتی پایدار. چمبرز در رهیافت مورد نظر خود، درصد ترکیب هر سه شیوه فکری مذکور است. به همین ترتیب، در تفکر معیشت پایدار، مفهوم "پایداری" از رویکرد محیط زیستی، مفهوم "بهره وری" از رویکرد توسعه ای و مفهوم "اولویت معیشت فقرا" از رویکرد معیشتی، اتخاذ می شود [۷]. در تفکر معیشت پایدار، بر توانمندسازی فقرا برای فائق آمدن بر شرایطی که تأکید می شود که آنها را به اتخاذ سیاست های کوتاه مدت برای گذران زندگی مجبور می کند، چمبرز تأکید کرده است که در این شیوه تفکر، سطح زندگی فقرا صرفاً نباید تا خط فقر بالا بیاید، بلکه توانمندسازی تا جایی ادامه یابد که سطح زندگی به عنوان یک عامل اجتماعی مؤثر در توسعه پایدار زیست محیطی بالاتر از خط معیشت پایدار قرار دهد. در این رویکرد بر شرایط اجتماعی به منظور بهبود زندگی فقرا تلاش شده است تا آنها در نتیجه ارتقاء شرایط معاش، منافع خود را در تحقق توسعه پایدار ببینند [۱۳]. این پیوندهای درونی ثابت می کند که اقدامات حفاظت از محیط زیست فراتر از صرف محیط زیست طبیعی هستند؛ تلاش های توسعه پایدار باید درون چارچوب وسیع تر کاهش فقر، مشارکت مردمی، معنادار در تصمیم گیری و شناخت اهمیت زمینه های اجتماعی و فرهنگی انجام گیرند [۱۸].

۱.۱. ابعاد و اهداف توسعه پایدار زیست محیطی

به طور معمول تعریف گزارش برون توند از توسعه پایدار زیست محیطی (ESD) "رفع نیازهای نسل های کنونی بدون ایجاد قدرت نسل های آینده برای رفع نیازهای خود به رسمیت شناخته شده است" [۱۲] [۲۶] که این تعریف از طرفی هم رشد اقتصادی و هم عدالت را تسهیل کرده و از طرف دیگر توسط سیستم های سیاسی مشارکت شهروندان را در تصمیم گیری ها تضمین می کند. توسعه پایدار زیست محیطی خود دارای ابعاد مختلفی است که عبارتند از:

ابعاد اقتصادی: نیازهای اقتصادی مانند معیشت کافی و دارایی های تولیدی و سیستمها و نحوه ارتباط آنها با محیط زیست.

ابعاد اجتماعی و فرهنگی: نیازها و سیستم های اجتماعی و فرهنگی، به عنوان مثال بهداشت، آموزش، پناه، عدالت، نهادهای فرهنگی و هنرهاره، و رابطه آنها با محیط زیست.

ابعاد سیاسی: نیازهای سیاسی (توانایی شرکت در فرایندهای تصمیم گیری) و سیستمها و نحوه تأثیر آنها در محیط زیست.

و ابعاد اکولوژیک: حفظ اکوسیستم و پایگاه منابع طبیعی.

با وجود ماهیت چند بعدی توسعه پایدار زیست محیطی (ESD)، یک هدف مشترک وجود دارد و آن اینست که توسعه باید بدون کاهش سرمایه و دارایی های زیست

آوری کنند زیرا حمل و نقل آن آسانتر و راحت تر است [۲۰].
 ب) در ارتباط زنان با محیط زیست نباید روابط جنسیتی را در مدیریت و استفاده نادیده گرفت چرا که نیروهای اجتماعی و ساختاری در چهار چوب روابط جنسیتی دسترسی زنان به سایر فعالیت های معیشتی را محدود کرده و منجر به سوق دادن زنان به فعالیت های مرتبط با محیط می کند. در واقع تا آنجا که آنها از مشارکت در اقتصاد بازار محروم می شوند، به طور مستقیم به منابع طبیعی غیر بازاری برای بقای فوری خود متکی هستند. چرا که آنها از دسترسی به منابع در آینده اطمینان ندارند و به این دلیل که فرصت های اقتصادی دیگری ندارند [۲۰].
 ج) به مانند رویکرد WID و رویکرد WED نیز توجه کمی به تفاوت های زنان با مردان دارد [۲۱].

۳.۲. تفاوت های جنسیتی در مدیریت منابع زیست محیطی

منافع مردان و زنان و انگیزه برای مدیریت منابع زیست محیطی در بسیاری از شرایط، به دو دلیل به واسطه نقش اجتماعی ساخته شده و بعضاً به خاطر حقوق مالکیت کمتر و منافع جنسیتی آنها متفاوت است. آنچه که در رابطه با تخریب محیط زیست توسط زنان به ویژه در کشورهای درحال توسعه به سبب فقر و تلاش به جهت بقا از طریق بهره کشی از منابع طبیعی [۲۷] [۲۸] گفته شد تنها یک روی سکه است. نقش اجتماعی زنان به طور معمول آنها را در مدیریت و استفاده از منابع زیست محیطی درگیر می کند. مطالعه جوامع فقیر در سه کشور آمریکای لاتین نشان می دهد که زنان کمک های قابل توجهی را برای مدیریت و یا بهبود اثرات منفی بر رفاه خانواده از طریق کاهش منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست انجام داده اند [۲۵]. زنان در این مطالعه که در حومه شهر اکوادور انجام شده بود در جهت مدیریت زیست محیطی به تصفیه آب آشامیدنی و مدیریت زباله های خانگی پرداخته بودند تا بدین طریق به مراقبت از اعضای خانواده از آب ناسالم و بیماری های منتقله از آن جلوگیری به عمل آورند. این تحقیق همچنین نشان داد که وضعیت فقر و مهاجرت تا حد زیادی بر شیوه های مدیریت محیط زیست در این حوزه تأثیر می گذارد. خانواده های فقیرتر نسبتاً کسانی بودند که اخیراً از مناطق روستایی دیگر مناطق پیرامون مهاجرت کرده بودند و بیشتر به دلیل افزایش خطر ابتلا به خطر زیست محیطی در فعالیت های زیست محیطی شرکت داشتند. ۸۸٪ از زنان مصاحبه ای در سررو ناویا، گزارش دادند که آنها معمولاً به جاده ها، پیاده روها و مسیرهای مرطوب و خنک سازی می پردازند تا میزان گرد و غبار را کاهش دهند. زنان حتی تمامی این فعالیت ها را به تنهایی عهده دار می شدند و فقط ۳۰ درصد زنان گزارش دادند که از دیگر اعضای خانواده کمک می گیرند. با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون، مشخص شد که زمان اختصاص داده شده به وظایف زیست محیطی توسط زنان در صورتی که این زن سرپرست خانوار بود افزایش مییابد. در روستای هندوراس، تخریب محیط زیست، با توجه به کیفیت خاک در دسترس خانوارها برای تولید ذرت، برای مردان و زنان متفاوت بود. این تحقیق نشان می دهد که پاسخ زنان به تخریب محیط زیست به واسطه مسئولیت های تولید مثل و داخلی آنها بسیار بیشتر است [۲۵].

این مطالعه در بالا نشان داد که اختصاص زمان و نقش زنان در واکنش به تخریب محیط زیست تغییر می کند. به نظر می رسد از آنجایی که فعالیت های تولیدی زنان به راحتی به سایر اعضای خانواده انتقال داده نمی شود، چرا که به سبب تقسیم جنسیتی کار در خانواده معمولاً این زنان هستند که بیشتر درگیر کارهای زیست محیطی قرار می گیرند. وظایف زیست محیطی زنان بخش مهمی از اولین خط دفاع خانگی در برابر تخریب محیط زیست است. با وجود گذشت زمان و افزایش مشارکت زنان در کاهش هزینه های تخریب محیط زیست، اما همچنان زنان و خانواده های آنها هنوز در معرض تخریب محیطی هستند زیرا زیرساخت های عمومی و عرضه خدمات به ویژه در مناطق توسعه نیافته و روستایی کم است و زنان همچنان دچار فقر دشوار و محدودیت های جمعیتی هستند. از طرف دیگر با توجه به آنکه زنان تمایل بیشتری به فعالیت های پایدار محیطی و مدیریت زیست محیطی نسبت به مردان دارند، اما به سبب هزینه های خاص یا کمبود منابع لازم در جهت اقدام عملی برای این منظور، و از طرف دیگر مشارکت پایین آنها در تصمیم گیری برای کنترل بر منابع امکان اقدامات تشکیلاتی برای حفظ محیط زیست و مشارکت در توسعه پایدار را ندارند.

۳.۳. پیامد های سیاست گذاری ها و مسیرهای تحقیقاتی برای توسعه پایدار زیست محیطی با توجه به جنسیت

۱. تنوع راهبردهای معیشتی: با توجه به تفاوت های جنسیتی در استفاده از زمین و منابع زیست محیطی، نیاز به افزایش طیف وسیعی از گزینه های معیشتی در دسترس

مواجه هستند بستگی دارد. در واقع، در اثر توسعه نابرابر که از طریق فناوری ها، نهادها و قوانینی که برخی عهده دار آن هستند فقر و به طبع آن تخریب محیط زیست شکل می گیرد. از آنجایی که پیش فرض اصلی توسعه پایدار این است که فقر علت عمده تخریب محیط زیست است به همین دلیل زدودن فقر شرط لازم برای تداوم محیط زیست است [۸]. بخش عمده ای از ادبیات تحقیق در مورد توسعه پایدار و محیط زیست، ابعاد جنس را نادیده گرفته اند. در مواردی هم که توجه ویژه ای به زنان صورت گرفته، به سبب آن است که زنان در اکثر کشورها در زمینه اقدامات عملی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه از منابع فعال هستند و بیشتر به آنها به عنوان مدیران منحصر به فرد در زمینه مدیریت منابع زیست محیطی توجه شده است. اما مرور این مطالعات نشان می دهد که کمتر بر روابط جنسی در فرایند تولید و بازتولید این تفاوت در میان زنان و مردان فقیر پرداخته شده است، هرچند اخیراً ارتباط میان جنسیت، فقر و محیط زیست به طور فزاینده ای مورد بحث قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل جنسیتی تجارب فقر و تغییرات زیست محیطی نشان داده است که تخریب محیط زیست همواره از روابط جنسی متأثر بوده است؛ زنان و مردان هر دو منافع متضاد و نقش های متفاوتی در مدیریت محیط زیست دارند. تفاوت زنان و مردان در فقر و تغییرات محیطی به سبب نابرابری جنسیتی در دسترسی به منابع به ویژه زمین، سرپرستی کار به عنوان مثال نقش زنان در تخصیص زمان انجام کار، تنوع در کاربرد راهبردهای معیشتی به عنوان صرفه جویی در مصرف، فعالیت های مرتبط با بازار و قدرت تصمیم گیری است. این نشان می دهد که تفاوت در دسترسی به زمین و منابع منجر به تفاوت جنسی در توسعه پایدار محیط زیست می شود. مدیریت موثر منابع طبیعی نیازمند رویکرد مشارکتی است چرا که مشارکت نه تنها یکی از اهرام های اصلی در نیل به توسعه پایدار است بلکه دخالت دادن هم مردان و هم زنان در کارها و فعالیت ها، منجر به بهره مندی افراد از آنچه که خود ساخته و پرداخته اند خواهد شد [۹]. اما آنچه در عمل صورت گرفته توجه به نقش مردان و استفاده از مشارکت آنان به ویژه در اقدامات تشکیلاتی حل معضلات محیط زیستی بوده و معمولاً زنان و اهمیت مشارکت شان در نظر گرفته نشده است [۱]. واضح است که تحقیق دقیق تر برای ایجاد رابطه بین جنسیت و مدیریت زیست محیطی در زمینه های مختلف ضروری است.

۳. نتایج

۳.۱. توسعه پایدار زیست محیطی و جنسیت

نگاهی به روند زندگی بشری طی چند قرن اخیر نشان می دهد که توسعه به ویژه توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن نقش زنان ممکن نیست [۳۳]. اجلاس سازمان ملل در رابطه با توسعه و محیط زیست (UNCED) در ريو دوژانیرو در سال ۱۹۹۳ اتفاق مهمی برای سراسر جهان بود. زیرا نقش قاطع زنان در دستیابی به نوع متفاوت از توسعه را که به طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد، بازشناسی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه بیشتر مورد تأکید قرار داد [۳۱]. در دستور کار ۲۱ این اجلاس، زنان به عنوان یک گروه اصلی که مشارکت آنها در دستیابی به توسعه پایدار ضروری است، مورد توجه قرار گرفته اند [۲۷] [۲۸]. براساس خط مشی اقدام در این اجلاس، توانمندسازی زنان، مشارکت کامل و برابری زنان، پایه هایی برای توسعه پایدار هستند [۲]. براساس این خط مشی سیاست هایی که زنان و مردان را به طور یکسان در برنگیرد، در بلند مدت موفق نخواهد بود [۱۴]. هرچند این تأکید و سایر تأکیدات دیگر بر برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در قالب اهداف توسعه هزاره و غیره طی چند دهه اخیر توجهاتی را به ضرورت بازنگری در برنامه ریزی های توسعه و تغییر در نگرش نسبت به زنان در جامعه ایجاد کرده است اما هنوز بسیاری از ابعاد این امر کاملاً مشخص نیست و حتی در بسیاری از موارد اگر به نقش زنان در توسعه پایدار زیست محیطی توجه شده تحت تأثیر رویکرد توسعه بوده است. در واقع، تفکر در رابطه با زنان، محیط زیست و توسعه بر جنبه های مدیریت توسعه اقتصادی تأکید دارد و این تلاش ها به منظور به حداقل رسانیدن اثرات منفی توسعه اقتصادی بر فرایند توسعه زیست محیطی بوده است [۲].

زنان به دلیل ماهیت مسئولیت های خود و وابستگی مستقیم به ویژه در مناطق روستایی که درآمد خانوارها بیشتر مبتنی بر منابع و نه مبتنی بر پول است، به شدت تحت تأثیر تخریب محیط زیست قرار دارند. از طرف دیگر نقش زنان در مدیریت خانه و در زمینه تولید و دفع زباله های خانگی منجر به آن گشته که در اکثر نقاط جهان زنان در مدیریت منابع طبیعی نقش موثرتری نسبت به مردان داشته باشند. اما منتقدان فمینیستی خاطر نشان کرده اند که این دیدگاه به سه دلیل قابل انتقاد است:

الف) در ابتدا می توان شیوه های مدیریت زیست محیطی زنان را از نظر منافع کوتاه مدت توضیح داد. به عنوان مثال زنان فقط می توانند چوب خشک را برای سوخت جمع

منابع

- مردان و زنان فقیر است که این امر نیازمند مداخلات غیرمتمرکز بر محیط زیست و فقر همچون تنوع در فعالیت‌های مبتنی بر بازار است [۲۱] [۲۰] به دین منظور باید سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های طبیعی و انسانی را بالا برد [۳۱]
۲. مدیریت منابع طبیعی: در این زمینه نیازمند رویکردها و اقداماتی است که بر استفاده کنندگان از منابع متمرکز است تا منابع [۲۹] مدیریت موثر منابع طبیعی نیازمند یک رویکرد مشارکتی است که بر فعالیت‌های مختلف اعضای خانواده تأکید دارد تا اطمینان حاصل شود که کاربرد و تأثیرات منابع طبیعی در مدیریت منابع طبیعی به رسمیت شناخته شده است [۳۲] سیاست‌ها باید توجه داشته باشند که زنان نسبت به مردان به درآمد کمتری دارند و اگر هزینه‌های خانوار در کنترل مردان باشد، ممکن است به منافع یا اولویت‌های زنان اهمیت ندهند. به دین منظور باید سیاست‌هایی به رسمیت شناخته شوند که به تفاوت منافع مردان و زنان و انگیزه آنها برای مدیریت منابع زیست محیطی در شرایط مختلف توجه نمایند. علاوه بر این، در رابطه با مدیریت زیست محیطی باید محدودیت‌های زمانی و حجم کار زنان را نیز مورد توجه قرار داد.
۳. ارزش گذاری کار زنان: نیاز به توجه بیشتر بر مشارکت زنان در توسعه پایدار زیست محیطی است.
۴. جنبه‌های نهادی تغییرات محیطی: این جنبه‌های نهادی تغییرات زیست محیطی نیازمند توجه سیاسی است. در حوزه‌های بین‌المللی توافق‌گسترده‌ای وجود دارد که توسعه پایدار محیط زیست باید بر اساس راه‌حل‌های محلی و مشارکتی باشد. اما اغلب در این زمینه انتظارات کمی وجود دارد، زیرا رویکردهای جامعه‌تمایل به نادیده گرفتن قدرت و تفاوت‌های اجتماعی دارند. با توجه به قدرت چانه‌زنی، منافع و نیازها، سازمان‌های مبتنی بر جامعه می‌توانند مانند سایر نهادها روابط قدرت و اقتدار نابرابر را تولید کنند که در محول کردن مسئولیت حفظ منابع طبیعی به جوامع محلی نیازمند در نظر گرفتن تفاوت اجتماعی و روابط جنسیتی است [۲۲] [۲۳].
۵. حقوق مالکیت: در زمینه گسترده‌تر، باید به تقویت حقوق قانونی زنان به همراه اقداماتی برای تقویت قدرت چانه‌زنی زنان در سطح محلی توجه کرد.
۴. بحث و نتیجه‌گیری
- پیوند میان فقر و محیط‌زیست، اغلب در مباحث "توسعه پایدار" مورد توجه قرار گرفته است، اما مباحث مذکور، معمولاً به صورت منظم مطرح نمی‌شود. در نتیجه با وجود گذشت حدود سه دهه از تمرکز پژوهش‌های زیست محیطی بر مسائل فقر و پایداری، هنوز روابط علی یا قواعد روشنی درباره همزمانی بروز پدیده‌های فقر و تخریب محیط‌زیست به دست نیامده است [۷] اما فقر به عنوان یک پدیده اجتماعی تأثیرات مهمی بر محیط زیست دارد. در واقع فقرا در محیط‌های شهری و روستایی کاملاً ناآگاهانه و ناخواسته لطمات جبران‌ناپذیری را به محیط زیست وارد می‌کنند. افراد فقیر به ویژه زنان فقیر به سبب نیازهای شدید و فوری خانوار برای زنده ماندن در استفاده از منابع طبیعی بدون توجه به امکان تجدیدپذیری آن به بهره‌برداری از آن می‌پردازند. از طرف دیگر، در کنار این امر، طبق نظر هماتی (۲۰۰۰) مدارکی وجود دارد که زنان از نظر محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، استفاده مجدد از مواد زائد، خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط زیست و غیره درگیر هستند [۱۱] در واقع وجود تفاوت میان مردان و زنان در زمینه تجربه فقر و تغییرات محیطی از نابرابری جنسیتی در زمینه‌های مختلف ناشی می‌شود. این نابرابری‌ها انعطاف‌پذیری زنان در پاسخگویی به تغییرات محیطی و مدیریت این منابع را نیز در بسیاری از موارد محدود ساخته است. بنابراین در توسعه پایدار زیست محیطی آنچه مهم است رفع موانع اجتماعی در زمینه حفظ محیط زیست و مشارکت کامل اعضای جامعه اعم از زنان و مردان در امر حفظ منابع طبیعی است. در این زمینه زنان به سبب نقش تعیین‌کننده‌ای که در خانواده و جامعه دارند باید بر لزوم فراهم‌سازی زمینه آموزش و به ویژه مشارکت آنان در اقدامات تشکیلاتی در رابطه با محیط زیست اهتمام ورزید.
- تشکر و قدردانی
- نویسندگان از منتقدین (outsiderreviewer) پیش‌نویس خود و هریک از منابعی که از این تحقیق پشتیبانی می‌کنند تشکر و قدردانی می‌کنند.
۱. آزادی، حسین و کرمی، عزت‌الله. ۱۳۷۶، زنان روستایی، توسعه و تکنولوژی‌های نوین، فرا تحلیل، مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی، فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه، نشریه شماره ۳.
۲. اکبری، حسین. ۱۳۹۱، نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۴.
۳. رضایی مقدم، کورش و کرمی، عزت‌الله. ۱۳۸۵، ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار کاربرد تحلیل مسیر، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱.
۴. سعیدی عباس و دیگران. ۱۳۸۷، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی با همکاری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها کل کشور، ۱۹۱.
۵. صامتی مجید، علیرضا کرمی، ۱۳۸۳، بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷.
۶. فطرس، محمدحسین. ۱۳۷۵، توسعه پایدار: جمعیت، فقر و محیط زیست، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۳.
۷. فیروزآبادی، سید احمد و عظیم‌زاده، دلرام. ۱۳۹۱، فقر روستایی و تخریب محیط زیست (مورد مطالعه روستاهای سرخون و بیدله از توابع استان چهارمحال و بختیاری)، مجله توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲.
۸. کرمی، عزت‌الله و کورش رضایی مقدم. ۱۳۸۵، ترویج کشاورزی، فقر و توسعه پایدار تحلیل مسیر. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۲، ۳۵-۲۸ صفحات. ۱ شماره.
۹. مجبوی، الف. ۱۳۸۹، لزوم توجه به نقش آموزش در منابع طبیعی کشور، مجله سنبله، شماره ۲۱۵ ص ۴۱-۴۲.
۱۰. میراب‌زاده، پرستو. ۱۳۷۳، توسعه پایدار، فصلنامه محیط زیست، جلد ۶، شماره ۳.
- [11]. Begum Julekha, 2004, "Women, Environment and Sustainable Development: Making the Links". In Women and the Environment. Edited By United Nations Environment Programme. Published By The United Nations Environment Programme (UNEP)
- [12]. Bonnett M, 2003, "Education for Sustainable Development: Sustainability as a Frame Of Mind". Journal of Philosophy of Education, Vol. 37, No. 4
- [13]. Chambers, Robert, 1987, Sustainable livelihood and development: Putting poor rural people first. Institute of development studies.
- [14]. Corral Thais, 2002, "Women's Sustainable Development Agenda". Natural Resources Forum 26
- [15]. Drakasis-Smith, D. 1995, Third World cities: sustainable urban development F, Urban Studies 32 (4-5)
- [16]. Drakasis-Smith, D. 1996, Third World cities: sustainable urban development II, Urban Studies 33 (4-5)
- [17]. Drakasis-Smith, D. 1996, Third World cities: sustainable urban development IIP, Urban Studies 34 (5-6)
- [18]. Elliott, J.A. 2006, An Introduction to Sustainable Development, 3rd edition, London: Routledge.
- [19]. Hardoy, J., Mitlin, D. and Satterthwaite, D., 1992, 'Sustainable development and cities', in J. Hardoy, D. Mitlin and D. Satterthwaite, Environmental Problems in Third World Cities, London: Earthscan.
- [20]. Jackson, C., 1993, 'Doing what comes naturally? Women and environment in development', World Development, Vol21 No 12.

- [21]. Joekes, S., Green, C. and Leach, M., 1996, 'Integrating gender into environmental research and policy', IDS Working Paper 27, Brighton: IDS
- [22]. Leach, M. and Mearns, R., 1991, 'Poverty and environment in developing countries: an overview study', final report to Economic and Social Research Council Society and Politics Group & Global Environmental Change Initiative Programme and Overseas Development Administration, Brighton: IDS.
- [23]. Leach, M., Mearns, R. and Scoones, I., 1997, 'Environmental entitlements: a conceptual framework for understanding the institutional dynamics of environmental change', IDS Discussion Paper No 359, Brighton: IDS.
- [24]. McGranahan, G. J. Songsore and M. Kjellen. 1999, Sustainability, poverty and urban environmental transitions, in D.Satterthwaite (ed) The Earthscan Reader in Sustainable Cities, London: Earthcan,
- [25]. Paolisso, M. and Gammage, S., 1996, Women's Responses to Environmental Degradation: Poverty and Demographic Constraints. Case studies from Latin America, Washington: ICRW.
- [26]. Ratner Blake D, 2004, "Sustainability as a Dialogue of Values: Challenges to the Sociology of Development". Sociological Inquiry, Vol. 74, No. 1
- [27]. Reynolds Fiona and Jane Esuantsiwa Goldsmith, 2002, "Women and Sustainable Development – From Local to International Issues". The Millennium Papers Issue 3 Is Edited By Amy Cruse.
- [28]. Reynolds Fiona and Jane Esuantsiwa Goldsmith, 2002, "Women and Sustainable Development – From Local to International Issues". The Millennium Papers Issue 3 Is Edited By Amy Cruse .
- [29]. Steady, F., 1993, Women and Children First: Environment, Poverty and Sustainable Development, Vermont: Schenkman
- [30]. Tognetti, Silvia S. Castanza, Rober, 1995, Poverty and environment UNDP.UNEP & UNDP (2010). Poverty and environment mainstreaming: Conference on exploring win-win strategies for sustainable local development. Egypt. UNEP.
- [31]. UNEP, 1995, Poverty and the Environment: Reconciling Short-term Needs with Long-term Sustainability Goals, Nairobi: UNEP
- [32]. Van Wijk, C., de Lange, E. and Saunders, D., 1996, 'Gender aspects in the management of water', Natural Resources Forum: a United Nations Journal, a special issue on women and natural resources management, Vol 20 No 2
- [33]. World Bank, 2003, "Sustainable Development in A Dynamic World. Transforming Institutions, Growth, and Quality Of Life". A Copublication of the World Bank and Oxford University Press.
- [34]. Zeller, M., Manohar, Sh., Carla, H. and Cecile, L., (2006): An Operational Method for Assessing the Poverty Outreach Performance of Development Policies and Projects: Results of Case Studies in Africa, World Development, Vo 1.34, No.3, p.446.